

امکان‌سنجی تصمیم‌گیری بر مبنای «تحلیل هزینه فایده» در بخش عمومی نظام اسلامی

محسن معارفی^۱

چکیده:

منابع کمیاب جامعه و خواسته‌های متعدد و متنوع افراد، همواره «مسئله انتخاب کارگزار عمومی» را پیش روی ما قرار می‌دهد. در عرصه عملی، رهیافتی که به مقامات دولتی برای سنجش بدیل‌ها و انتخاب بهترین سیاست و برنامه توصیه می‌شود، «تحلیل هزینه فایده اجتماعی» (SCBA) است. اگرچه بخش عمومی در اقتصاد اسلامی همواره دغدغه‌های مهمی چون «تحقق عدالت اجتماعی»، «فراهم‌سازی زمینه یک زندگی مؤمنانه و متعهدانه برای افراد جامعه» و «دستیابی به توسعه بر پایه اخلاق و ارزش‌های اسلامی» و... را دارد، اما این امر به این معنا نیست که ارزیابی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در بخش عمومی اقتصاد اسلامی، باید بر اساس ایده‌آل‌نگری‌های بی‌پایان و غیرشفاف، بدون لحاظ منطقی هزینه فرصت تصمیمات اجتماعی اتخاذ می‌شود. در این مقاله با تکیه بر روش کتابخانه‌ای و بررسی کتاب‌های تخصصی علوم اقتصادی و منابع اصیل اسلامی (قرآن و سنت) به روش تحلیلی-توصیفی نشان داده می‌شود که کاربست SCBA در یک جامعه اسلامی با توجه به منافع دینی، مشروعیت دارد و با دیگر قواعد معتبر فقهی نیز تعارض ندارد؛ اگرچه باید در نحوه به‌کارگیری SCBA ملاحظات دیگری را نیز مد نظر قرار داد. **واژگان کلیدی:** تحلیل هزینه فایده اجتماعی، سیاست‌گذاری عمومی، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

هنگامی که در اقتصاد بخش عمومی به ارزیابی و انتخاب یک سیاست، یک برنامه، یک موقعیت و یا یک روش می‌پردازیم، «مسئله انتخاب کارگزار عمومی» پیش روی ماست. منابع در هر جامعه‌ای کمیاب‌اند و خواسته‌ها، متعدد و متنوع. منابع باید به اولویت‌ها اختصاص یابد و به نحو کارا برای رسیدن به اهداف هزینه شوند. در این راستا، «کارگزاران عمومی» برای اینکه برنامه و سیاستی را توصیه کنند، می‌کوشند سیاست‌های جایگزین را شناسایی و ارزیابی کنند و میزان مطلوبیت، فایده و ضرر خط مشی‌های متفاوت را برای جامعه به‌عنوان یک کل معین نمایند (Slothuus:2000). در این راستا سعی می‌شود چارچوبی برای تصمیم‌سازی و بده‌بستان بین بدیل‌ها ارائه شود که به‌نوعی فاقد داوری ارزشی باشد و یا مبتنی بر قضاوت‌های ارزشی باشد که از حمایت گسترده‌ای برخوردار است و محل بحث و اختلاف آراء قرار نگیرد و به این ترتیب، نوعی عینیت که لازمه علمی بودن اقتصاد است، تأمین گردد. (عربی، ۱۳۸۷): در عرصه عملی، رهیافتی که مقامات دولتی برای سنجش بدیل‌ها و انتخاب بهترین سیاست و برنامه اتخاذ می‌کنند، «تحلیل هزینه فایده اجتماعی» (SCBA)^۱ است. همچنین واضح است که در تصمیم‌گیری‌های بخش عمومی باید در کنار ملاحظات اقتصادی، سایر ملاحظات اخلاقی، اجتماعی و سیاسی را نیز در نظر گرفت تا بتوان «بهترین برنامه برای جامعه» را تشخیص داد. این همان چیزی است که ضرورت این تحقیق را روشن می‌سازد. کشورهای اسلامی که سیاست‌گذاری خود در بخش عمومی را در چارچوب ارزش‌های اسلامی دنبال می‌کنند، می‌توانند با استفاده از یافته‌های این پژوهش، با بخشی از کاستی‌ها، ظرفیت‌ها، روش‌ها و تکنیک‌های ارزیابی در مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی آشنا شوند و با استفاده از آن، به انتخاب بهینه در بخش عمومی مبادرت ورزند. بدین جهت، این تحقیق هم جنبه علمی و آکادمیک دارد و هم از لحاظ عملی و کاربردی به‌خصوص در یک کشور اسلامی می‌تواند مفید باشد.

روش تحقیق در این مقاله تحلیلی-توصیفی است و اطلاعات مورد نیاز عمدتاً با روش کتابخانه‌ای با بررسی کتاب‌های تخصصی مدیریت، علوم اقتصادی، آرای اندیشمندان مسلمان و نیز منابع اصیل اسلامی گردآوری می‌شود.

پیشینه و گسترده‌ی استفاده از تحلیل هزینه فایده در سیاست‌گذاری عمومی

بیشتر پژوهش‌ها درباره «مسئله انتخاب کارگزار عمومی»، ناظر به بنیان‌های خرد آن با استفاده از «توابع رفاه اجتماعی» است و کمتر به رهیافت عملی مسئله، پرداخته شده است. در راستای هم‌گرایی بیشتر «دستگاه‌های اجرایی» و «تلاش‌های علمی»، در سال‌های اخیر مراکز ویژه «مطالعه تحلیل هزینه فایده» در دانشگاه‌های مختلف دنیا نظیر «مرکز هزینه فایده» در مدرسه سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه واشنگتن دی سی^۲ و «مرکز مطالعات هزینه

1. Social cost benefit analysis.

2. Benefit-Cost Analysis Center at the Evans School of Public Policy and Governance, University of Washington.

فایده در سیاست‌های آموزشی^۱ دانشگاه کلمبیا به وجود آمده است. «بهبود و استاندارد سازی متدولوژی هزینه-فایده»، «تقویت ارتباط بین مراکزی که از هزینه-فایده در تصمیم‌گیری‌هایشان استفاده می‌کنند»، «انتشار موارد استفاده و سوء استفاده از هزینه-فایده» و «زمینه‌سازی استفاده بیشتر از هزینه-فایده در جاهایی که کاربرد آن مناسب است»، از جمله اهداف این پژوهش‌ها و تحقیقات ذکر شده است. در ادبیات اقتصاد اسلامی پژوهش‌های انجام‌شده درباره معیارهای عملی در سیاست‌گذاری عمومی در اقتصاد اسلامی زیاد نیست. از مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌شده در این خصوص، کتاب مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی از آقای حسن آقا نظری (۱۳۹۱) و کتاب اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی اثر آقای محمد تقی گیلک حکیم آبادی (۱۳۹۲) است. با این حال هیچ‌کدام از آنها درباره مشروعیت تصمیم‌گیری بخش عمومی بر اساس تحلیل هزینه فایده بحث چندانی نکرده‌اند و همین امر نوآوری این پژوهش را نشان می‌دهد.

تحلیل هزینه فایده اجتماعی (SCBA) «یک چارچوب مالی» برای ارزیابی تصمیمات بخش عمومی در عمل فراهم می‌کند. در بسیاری مواقع، دولت‌ها برای اخذ تصمیم، علاوه بر «تحلیل کیفی» جهت توجیه منطقی اقدامات‌شان، نیاز به «تحلیل مقداری و کمی» دارند تا بتوانند منافع حاصل از آن اقدام را با طیف وسیعی از اقدامات جایگزین مقایسه کنند و کارایی آن را بسنجند؛ به این معنا که «پیامدهای یک گزینه» را به عنوان ملاک ارزیابی در نظر می‌گیرد و با تحلیل و مقایسه هزینه‌ها و فواید بر اساس «ارزش پولی»، بهترین گزینه را از بین گزینه‌های جایگزین انتخاب می‌کند. به این صورت، این تحلیل شباهت زیادی به تحلیل هزینه فایده (CBA) برای ارزیابی پروژه دارد؛ با این تفاوت که در SCBA به دنبال حداکثر کردن «رفاه اجتماعی» هستیم و نه حداکثر کردن سود. به همین خاطر، دولت باید طیف وسیعی از مسائل و ملاحظات اجتماعی را در نظر بگیرد. در سال ۱۹۸۱ ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا طی دستور برای اولین بار استفاده از تحلیل هزینه فایده اجتماعی را برای هر تصمیمی که تأثیری معادل یا بیش از یکصد میلیون دلار داشته باشد، الزامی کرد و «اداره تحلیل مقررات و داده‌ها»^۲ (OIRA) در سازمان بودجه و مدیریت^۳ (OMB)، کاخ سفید را مسئول اجرای این دستور معرفی کرد. در حال حاضر علاوه بر OIRA، کنگره آمریکا نیز در آیین‌نامه‌های زیادی، از سازمان‌ها خواسته است که تحلیل هزینه فایده را انجام دهند (Adler and Posner:1999). خزانه‌داری انگلیس از سال ۱۹۹۸ چارچوب جدید ارزیابی مبتنی بر SCBA را معرفی کرد. در حال حاضر نوعی هم‌گرایی بین آمریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط با تدوین مقرراتی برای کاربری SCBA در بخش عمومی دیده می‌شود. (Shapiro:2010)

دفاع از «تحلیل هزینه فایده اجتماعی»

در کنار توسعه زیاد استفاده از تحلیل هزینه فایده در دستگاه‌های اجرایی، انتقادات بر این روش در عرصه علمی

1. Center for Benefit-Cost Studies of Education.

2. Office of Information and Regulatory Analysis.

3. Office of Management and Budget.

و دانشگاهی ادامه یافت. این انتقادات در دهه ۱۹۹۰ بیشتر شد و اقتصاددانان زیادی مخالفت خود را با استفاده از این تحلیل در عرصه سیاست عمومی ابراز کردند (Shapiro:2010). در دوره ریاست جمهوری کلینتون، مخالفت آن قدر شدت یافت که گروه زیادی اصولاً خواستار حذف تحلیل هزینه فایده برای سیاست‌گذاری بخش عمومی گردیدند. باین حال، بسیاری از دولت‌ها با تعدیلاتی تصمیم گرفتند که استفاده از این تحلیل در عرصه عملی تصمیم‌گیری بخش عمومی کماکان ادامه یابد (Ibid). تلاش‌های مدافعان جدید SCBA باعث شد بسیاری از منتقدان SCBA به مدافعان آن تبدیل شوند و حتی اقتصاددانان برجسته‌ای مثل جوزف استیگلیتز (Joseph Stiglitz) و آلن بلندر (Alan Blinder) نیز محتاطانه از تحلیل هزینه فایده دفاع کردند (Shapiro:2010). این معیار علی‌رغم این اشکالات و انتقادات جدی، همچنان در بسیاری از مباحث بخش عمومی، اقتصاد صنعتی، اقتصاد بین‌الملل، حقوق و اقتصاد و ... یک موقعیت پیشرو دارد و بلامنازع باقی مانده است (Ibid). مهم‌ترین دلایل طرفداران استفاده از SCBA را می‌توان به‌صورت زیر برشمرد:

شفافیت تصمیمات دولتی

برخی اقتصاددانان معتقدند که استفاده از SCBA باعث افزایش شفافیت تصمیمات دولتی در یک نظام دموکراتیک می‌شود؛ چرا که بدون آن، هر گروهی سعی می‌کند با مبالغه یا کم نشان دادن ریسک آتی، بازخوانی تجارب گذشته و یا تعصبات، عواطف عموم مردم را به سمت ترجیحات خود شان بکشند. مسلماً در این وضع، تلاش برای ایجاد یک نظام قضاوت عددی می‌تواند در کاهش مضراتی که متوجه مردم است، مؤثر باشد (Shapiro:2010) و مقیاسی برای سنجش خواسته‌های غیرهم‌سنخ با یکدیگر را فراهم کند.

کنترل گروه‌های فشار در تصمیمات بخش عمومی

استفاده از SCBA، باعث می‌شود تمام گروه‌های سیاسی، مذهبی، اخلاقی، طرفداران محیط زیست، ایمنی، عدالت و ... گزینه‌هایشان را روی «میز تصمیم‌گیری» قرار دهند و با یک معیار مشترک عقلانی و واضح، از تصمیم‌گیری‌های اجتماعی مطابق با خواستشان، دفاع کنند. در این صورت، منابعی که به‌خاطر هر تصمیم از دسترس جامعه خارج می‌شود، سنجیده می‌شود و این خواست‌ها با دیگر تمایلات مردمی که متأثر از این تصمیم هستند، مقایسه و توضیح داده می‌شود. (Ackerman:2004)

جلوگیری از ائتلاف منابع کشور با ایده‌آل‌نگری‌های بی‌پایان

از نظر طرفداران SCBA اگرچه ارزش‌گذاری پولی جان انسان، به نظر می‌رسد غیراخلاقی و غیرانسانی باشد، ولی در شرایط متفاوتی که دولت‌ها با آن روبه‌رو هستند، محاسبه کردن آن برای تصمیمات درست ضروری است؛ زیرا اگر به دلایل اخلاقی برای جان انسان، ارزش بی‌حدی قائل شویم، نمی‌توان برای مخارج طرح‌هایی که اجرای آنها مانع از مرگ انسان‌ها می‌شود، حد و سقفی تعیین کرد و این امر به این معناست که می‌توان حتی بیشتر درآمد ملی را صرف امنیت جاده‌ای کرد که هر سال، چندین تصادف منجر به مرگ در آن رخ می‌دهد! بنابراین، باید نقطه‌ای مشخص شود که در آن نقطه منافع حاصل به‌قدری اندک است که صرف هزینه‌های مازاد را هرچند برای نجات جان

انسان‌ها توجه نمی‌کند (استیگلitz، ۱۳۹۱: ج ۱؛ ص ۳۶۸). یک مطالعه اقتصادی نشان داد که هزینه فرصت لازم برای حفاظت از تقریباً پنج هزار بوف مناطق شمالی آمریکا، معادل ۴۶ میلیارد دلار یا حدود ۹ میلیون دلار برای هر بوف است. (لویت، ۱۳۸۶: ص ۱۳۷) واضح است که اگرچه نابودی بوف‌ها، به دلایل مختلف زیست‌محیطی و اخلاقی مسئله ناخوشایندی است، ولی هزینه حفاظت از آنها به حدی زیاد است که با آن می‌توان بسیاری از نابسامانی‌ها را سامان داد. وقتی تحلیلگران SCBA، مقداری برای «جان انسان» و یا «محیط زیست» تعیین می‌کنند، به این معنا نیست که آنها روی این موارد قیمت‌گذاری کرده‌اند؛ بلکه به این معناست که آنها خلاصه کرده‌اند که برای به دست آوردن آن، باید مردم جامعه چقدر از دیگر کالاهای دیگر انصراف دهند؛ چرا که بدون آن، منطق و فرایندی که میزان این مبادله را نشان دهد، بسیار دشوار و پیچیده است. (Ackerman:2004). بدون SCBA «ایده‌آل‌نگری‌های بی‌پایان» در مباحث مذهبی، سیاسی، اخلاقی، طرفداران محیط زیست، ایمنی، عدالت و ... مباحث مسلط‌تر است و هرکدام که صدای بلندتری در اجتماع داشته باشند، ترجیحات بخش عمومی را به سمت خود خواهند کشید. SCBA می‌تواند مبادله ذاتی را که در بخش عمومی است، به خوبی روشن کند و اولویت‌های قانون‌گذاری را بدون ایده‌آل‌نگری برای مراکز قانون‌گذار با تفسیری بی‌طرفانه تعیین کند.

محدود کردن افراد جامعه برای سواری رایگان در بخش عمومی

نمی‌توان تصمیمات عرصه عمومی را با تصمیمات درون یک خانواده مقایسه کرد که بدون تحلیل هزینه فایده تصمیم‌گیری می‌کنند و روی چیزهایی که برایشان فوق‌العاده مهم است، ارزش‌گذاری پولی نمی‌کنند. البته در خانواده نیز تصمیم‌گیری‌ها با مبادله صورت می‌گیرد. بسیاری از خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را به کالج می‌فرستند، ماشین‌های نو نمی‌خرند و لباس‌های گران نمی‌پوشند. اما در خانواده برای تصمیم‌گیری‌های متعدد نیاز چندانی به مقداری و کمی کردن نیست؛ چرا که ترجیحات خیلی متفاوت و گوناگون نیست. همه در برابر زبانی که متحمل می‌شوند، به سرعت جبران می‌شوند و نوع رابطه‌ها از نوع رفتارهای مبتنی بر الگوی به اشتراک گذاری جمعی (Communal Sharing) است که افراد همه سعی و تلاش‌شان را می‌کنند و محصول کارشان را برای استفاده همدیگر در اختیار هم قرار می‌دهند. در این الگوی رفتاری، مهربانی، نوع دوستی، سخاوت و دوری از نفس‌پرستی به عنوان ارزش‌های اساسی دیده می‌شود (Fiske:1998)؛ درحالی‌که در جامعه مسئله کاملاً متفاوت است. افراد مختلف نظرات و نگرانی‌های بسیار متفاوتی درباره مسائل خیلی مهم مثل دین، اخلاق و ایمنی دارند که لازمه یک جامعه دموکراتیک این است که به نظرات همه افراد، یکسان توجه شود. انگیزه سواری رایگان بسیار زیاد است و هر فرد در برابر ضرری که متحمل می‌شود، به سرعت جبران نمی‌شود و از دست یک فرد بدون کمک بقیه کاری ساخته نیست. (Ackerman:2004) بنابراین، در این فضای بزرگ لازم است علاوه بر تحلیل‌های کیفی، با تحلیل‌های مقداری، امکان مقایسه گزینه‌های مختلف را فراهم نمود و انگیزه استفاده از سواری رایگان در بخش عمومی را در حد ممکن محدود ساخت.

مشکلات نظری، فنی و اخلاقی «تحلیل هزینه فایده اجتماعی»

مخالفان استفاده از SCBA در بخش عمومی با بررسی دقیق تحلیل هزینه فایده اجتماعی، مشکلات مختلفی را برای استفاده از این تحلیل در عرصه عمومی برشمرده‌اند که به اختصار به آن اشاره می‌کنیم (معارفی، ۱۳۹۷: صص ۲۸۷-۳۱۵):

الف) مشکلات روشی؛ مثل اینکه به «سازه‌های روابط اجتماعی» یک‌جانبه می‌نگرد و مبتنی بر «پیامدگرایی صوری» و «تحویل‌گرایی» است.

ب) مشکلات نظری؛ مثل اینکه قضاوت درباره «کارایی» را مستقل از «توزیع» می‌داند؛ در حالی که تحلیل کارایی با تغییر نحوه توزیع نیز تغییر می‌کند (تناقض سی‌توفسکی) و یا اینکه «نرخ تنزیل اجتماعی» و «نرخ مخاطره به‌کاررفته در SCBA» که نقش مهمی در تصویب یا رد یک طرح دارد، مبهم و غیرعلمی است.

ج) مشکلات فنی و محاسباتی؛ مثل اینکه پولی کردن نفع و ضرر اجتماعی در روش ترجیحات اظهار شده متأثر از «ترتیبات سؤال» و «اثر اجتناب از زیان» است و پولی کردن نفع و ضرر اجتماعی در روش ترجیحات آشکار شده وابسته به «درآمد نسبی»، «زمینه اجتماعی کالا» و «انگیزه‌های افراد» است.

د) مشکلات اخلاقی؛ مثل اینکه تحلیل هزینه فایده با قیاس‌پذیری برخی ارزش‌های متعالی، جامعه را در «شیب لغزنده اخلاقی» قرار می‌دهد و این معیار بر علیه فقرا تورش دارد و عادلانه نیست.

بنابراین می‌توان گفت که در تحلیل هزینه فایده اجتماعی، هزینه‌ها و منافع به طور واقعی مقایسه نمی‌شوند و به کار بردن آن باعث ضعیف شدن «وضع مقررات مفید» و «صدور دستورالعمل‌های گمراه‌کننده» می‌شود و اطلاعات غلطی به تصمیم‌گیرنده می‌دهد.

البته با اینکه تصمیم‌گیری بر اساس تحلیل هزینه فایده، هنوز هم مخالفان جدی خود را دارد؛ لکن در عرصه سیاست‌گذاری عمومی، معمولاً مخالفان به حاشیه رانده شده‌اند. در حال حاضر، تمرکز اصلی به جای اینکه درباره مفید بودن یا نبودن تحلیل هزینه فایده باشد، بر چگونگی اجرای آن، در کنار تصمیم‌گیری بر اساس استدلال‌های کیفی مقررات‌گذاری است (Shapiro: 2010).

باین حال، برای هرگونه استفاده از SBCA در جامعه اسلامی لازم است مشروعیت و ملاحظات مربوط به استفاده از آن مورد بررسی و مذاقه بیشتر قرار بگیرد.

بررسی مشروعیت تحلیل هزینه فایده اجتماعی در جامعه اسلامی

پیش از پرداختن به مشروعیت SCBA در اقتصاد اسلامی، توجه به این نکته ضروری است که در این تحلیل «منافع و هزینه‌های معتبر شرعی» لحاظ می‌شود؛ به این معنا که در بخش عمومی اقتصاد اسلامی لازم است گستره حیات اخروی انسان نیز مد نظر قرار گیرد و به طبع اوامر و نواهی شارع مقدس برای رسیدن به سعادت حقیقی و مصلحت دنیا و آخرت معیار قرار گیرد. بنابراین، نفع و ضرر و مصلحت و مفسده صرفاً از نگاه بشری دیده نمی‌شود: ﴿وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ﴾ (مؤمنون: ۷۱). مصلحت (فایده) و مفسده (هزینه) در این تحلیل به همان معنای لغوی و عرفی آن است که البته در چارچوب اصول و ضوابط شرعی به کار رفته است (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۹۴). نکته مهم دیگر اینکه مراد از مصلحت (فایده) و یا مفسده (هزینه)، نفع



و ضرر افراد و یا لذت و رنج افراد نیست؛ بلکه مراد از مصلحت و مفاسد، نفع و ضرری است که سود و زیان آن به عموم مردم و جامعه برگردد (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۹۵) و مقصود شارع برای جامعه اسلامی است. بنابراین مقصود از مصلحت، محافظت بر مقصود شرع است. مقصود و اهداف شارع برای جامعه اسلامی این است که دین، نفس، عقل، نفس و مال مردم حفظ شود. بنابراین، هر چیزی که متضمن حفظ این اصول شود، مصلحت است و هر چیزی که باعث فوت آنها شود، مفاسد خواهد بود.

وقتی بودجه عمومی به برنامه‌ای اختصاص داشته می‌شود، معنایش این است که آن برنامه از همه اقدامات جایگزین بهتر بوده و مصالح انتظاری بیشتری دارد. تقریباً در تمامی برنامه‌ها و سیاست‌های بخش عمومی، یک مصلحت با مصلحت دیگر، مصلحت جامعه با مصلحت فرد یا مصلحت برخی افراد با یکدیگر در تعارض اند. بنابراین، لازم است مصالح و منافع انتظاری ناشی از هر اقدام با هزینه‌های مورد انتظار مقایسه شود، و نهایتاً آنچه سود نهایی اجتماعی‌اش (SMB) بیشتر از هزینه نهایی اجتماعی آن (SMC) است، انتخاب شود. هر تصمیم دولت در بخش عمومی باید برای جلب بالاترین مصلحت‌ها و دفع بالاترین خطرهای باشد؛ هر چند جلب بالاترین مصالح، با ارتکاب مفاسد و هزینه‌هایی در جامعه همراه باشد و دفع بالاترین خطرهای نیز با از دست دادن مصالحی در جامعه همراه باشد. با این نگاه، اساس و بنیان تصمیمات دولت بر SCBA مبتنی است و تنها راه علاج تداخلات امور به هم پیچیده اجتماعی - اقتصادی، استفاده از این گونه تحلیل است (ال سو سو، ۲۰۰۴: ص ۲۳). اگر در نگاه اول صرفاً با مواجه شدن مفاسدی که مترتب بر برخی تصمیمات است، برای رهایی از مشکلات، آنها را کنار بگذاریم، بسیاری از مصالح جامعه فوت می‌شود. اما در پرتو این تحلیل، همواره بین سیاست‌های جایگزین و بین وضعی با وضعی و بین مصالح و مفاسد، مقارنه و موازنه صورت می‌گیرد و آنچه بیشترین مصلحت را جلب و یا بالاترین مفاسد را دفع می‌کند، اختیار می‌شود (القرضاوی، ۱۹۹۶: ص ۳۲). درباره مشروعیت این رویکرد، به منابع مختلف قرآن، سنت، اجماع و عقل استناد شده است؛ لکن با توجه به اینکه قرآن منبع اصلی مشروعیت دینی است، به چند آیه قرآنی در این باره اشاره می‌شود؛ اگرچه در این باره می‌توان به آیات فراوان، احادیث و کلمات فقها نیز اشاره نمود.

سنجش منافع با یکدیگر

سنجش منافع با یکدیگر و لزوم اخذ طرفی که منفعت بیشتری دارد، معمولاً تحت قاعده «تقديم اعظم المصلحتين» شناخته می‌شود. تعابیر مختلفی از این قاعده در کتب شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ چنانچه گفته می‌شود: «اذا تراحت مصلحتان، قدم اعلاهما» و یا «اذا تعارض مصلحتان روعي اكبرهما بتقويت الصغرهما» و ... (علی‌آبادی و اسفندیاری؛ ۱۳۹۴) در آیاتی از قرآن کریم، منافع و مصالح در مقام تعارض با یکدیگر سنجیده شده‌اند که از آن میان، صرفاً به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. ﴿أَجْعَلْنُمْ سَبِيلَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَشْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (توبه: ۱۹).

در این آیه «جهاد به همراه ایمان» از «ساخت مسجد و خدمات به حجاج» برتر دانسته شده است. بنا بر این آیه، ارزش مصالح و اعمال خوب متفاوت است و در یک درجه نیستند. بنابراین، در تراحم مصالح می‌توان مصلحت‌ها

را با یکدیگر سنجید و آنچه را که برتر است، انتخاب کرد.

۲. ﴿ مَا كَانَ لِإِنبِيَّ أَنْ يَكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّى يَتَخَنَّ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَصَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴾ (انفال: ۶۷).

آیه یاد شده درباره این است که برخی یاران پیامبر خود سرانه و بدون مشورت با پیامبر، در جنگ بدر از دشمنان اسیر گرفتند تا در برابر آزادی آنان بتوانند از دشمن خون بها بگیرند. البته هم «اسیر گرفتن» و هم «کشتن دشمنان» مصلحت دارد و تقویت جبهه حق است؛ ولی در زمانی که هنوز دین خدا در زمین استقرار نیافته است، مصلحت برتر این است که دشمنان کشته شوند. این مصلحت آن قدر از مصلحت نخست (اسیر گرفتن دشمنان) بیشتر است که خداوند به خاطر انتخاب مصلحت پایین تر، مسلمانان را عتاب می کند. البته زمانی که دین اسلام در زمین استقرار یابد، رواست که از دشمن اسیر بگیرند و چه بسا برتر از کشتن دشمنان نیز شود.

۳. ﴿ وَإِنْ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ﴾ (انفال: ۷۲).

طبق این آیه اگر مسلمانان دیگر مناطق، تحت ظلم قرار گرفته و طلب یاری کردند، نباید در برابر استمدادشان بی تفاوت بود. باین حال، باید در این امر اهم و مهم را دید. مادامی که کفار به پیمان های خود با مسلمانان پایبند هستند، نمی توان برای حمایت مسلمانان تحت سلطه آنان اقدامی کرد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۳۶۵). به عبارتی در تراحم دو مصلحت «یاری مسلمانان بلاد کفر» و «پایبندی به میثاق با آنها»، باید جانب رعایت پیمان ها را گرفت و نمی شود به خاطر یاری مظلومان، پیمان را شکست. لزوم رعایت پیمان با دشمنان هنگام تراحم با کشتن کافران، در آیه ۸۹ و ۹۰ سوره نساء نیز آمده است: ﴿ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَحُذَوْهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا* إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاؤُكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يِقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَقَاتِلُوكُمْ قَوْمُهُمْ ﴾ (نساء: ۸۹-۹۰).

۴. ﴿ لَا يَحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴾ (نساء: ۱۴۸).

چنین مستفاد می شود که در تراحم، باید اهم رعایت شود. ارزش «دفاع از مظلوم»، بیش از «ارزش حیا و سکوت» است (قرائتی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۴۲۱).

در روایات نیز به لزوم سنجش بین منافع و انتخاب آنچه منفعت بیشتری دارد، توجه فراوان شده است. روایات متعدد درباره اینکه در تراحم بین واجب و مستحب، باید جانب واجب را گرفت، از همین قبیل است. در روایت معروفی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمده است: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا؛ فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ، وَإِذَا أَذْبَرَتْ فَافْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ (نهج البلاغه: حکمت ۳۱۲). روایت معتبر دیگری نیز بیانگر این است که امام علی (علیه السلام) بر کسی که مستحق اجرای حد شرعی بود، اما در منطقه ای زندگی می کرد که با اجرای حد شرعی امکان رنجیدگی و در نتیجه، پیوستن او به دشمنان وجود داشت، حد شرعی را جاری نکرد و به این ترتیب، «اجرای حد شرعی» را برای «حفظ او در سپاه حق» تعطیل کرد. عن علی (علیه السلام) أنه قال: لا اقيم على رجل حدا بأرض العدو حتى يخرج منها مخافة أن تحمله الحمية فيلحق بالعدو (حر العاملي، ۱۴۱۴؛ ج ۱۸، ص ۳۱۸).

سنجش هزینه ها با یکدیگر



لزوم سنجش هزینه‌ها با یکدیگر در مقام تراحم و انتخاب آنچه هزینه کمتری دارد، در کتب فقهی و منابع اسلامی با نام قاعده «لزوم دفع افسد به فاسد» شناخته می‌شود؛ به این معنا که در هنگام تعارض دو چیزی که دارای مفسده هستند، آنچه که مفسده کمتری دارد، باید انتخاب شود. از این قاعده با عناوین و تعبیر مختلفی مثل «ارتکاب اخف الماحذورین»، «طرح الصغری للکبری»، «یختار اهون الشرین»، «اذا تعارض مفسدتان، روعي اعظمها ضررا بارتکاب اخفهما»، «تحتمل اخف المفسدتین لدفع اعظمهما» و ... یاد می‌شود (علی‌آبادی و اسفندیاری، ۱۳۹۴). در آیات مختلفی از قرآن کریم، هزینه‌ها و مفاصد در مقام تعارض با یکدیگر سنجیده شده‌اند که از آن میان صرفاً به موارد زیر اشاره می‌شود:

۱. ﴿أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرْدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا﴾ (کهف: ۷۹).

در این آیه «معیوب ساختن کشتی» با «غصب شدن کشتی» مقایسه شده است و آنچه هزینه و مفسده کمتری داشته است، انتخاب شده است. کشتی معیوب بهتر است از اینکه کشتی سالم باشد، ولی از سوی پادشاه ظالم، غصب شود.

۲. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ فِيهِ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾ (بقره: ۲۱۷).

طبق این آیه، اگرچه جنگ در ماه حرام مفسده دارد و جایز نیست، ولی «بازداشتن مردم از راه خدا» و جلوگیری آنها از ورود به مسجد الحرام و بیرون کردن پیامبر و پیروان آن حضرت از مکه، از «پیکار در ماه حرام» هم بدتر است. بنابراین، اگرچه پیکار در ماه حرام مفسده دارد، ولی مفسده فتنه از آن هم بزرگ‌تر است. بنابراین، چه‌بسا پیکار در ماه حرام نیز برای دفع فتنه جایز باشد؛ تا آنچه مفسده کمتری دارد، انتخاب شود.

۳. ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره: ۱۷۳).

اگر انسان در موقعیتی قرار بگیرد که ناچار باشد از گوشت مردار بخورد، وگرنه جان او به خطر می‌افتد و تلف می‌شود، به دلیل اینکه حفظ نفس اهمیت بیشتری دارد، شارع مقدس دستور داده است که انسان مضطر از گوشت مردار بخورد و آنچه را که ضررش کمتر است، برگزیند؛ چرا که ممنوعیت «حفظ نکردن جان»، مهم‌تر از «حرام بودن مصرف مردار» است. اهمیت حفظ جان و ترجیح آن بر بسیاری از محرمات شرعی (مثل به زبان آوردن کلمات کفرآمیز)، در آیات دیگری نیز آمده است؛ مانند: ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَمَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ﴾ (نحل: ۱۰۶).

در روایات نیز موارد زیادی از سنجش هزینه‌ها ذکر شده است؛ از جمله دستور رسول اکرم ﷺ در نکردن درخت سم‌هین‌جندب؛ که آن حضرت، تصرف در ملک سم‌هه بدون اذن او را کمتر از هتک عرض مرد انصاری دیدند. پذیرفتن حکمیت از سوی حضرت علی‌علیه‌السلام نیز در همین راستاست که حضرت تن دادن به حکمیت را دارای مفسده کمتری نسبت به فتنه‌ای که در حال وقوع بود، دانستند. همچنین سیره امام صادق‌علیه‌السلام در دفع خطر از اصحاب و شیعیان خود به‌واسطه نکوهش کردن و طعن وارد کردن بر آنها از جمله سب زراره از سوی آن حضرت، دلیلی

آشکار بر مشروعیت سنجش هزینه‌ها به هنگام تراحم و ارتکاب کاری است که مفسده کمتری دارد. چنانچه خود امام صادق علیه السلام طی حدیثی طولانی به زرار می‌فرماید: من گاهی حرف‌های بد در باره تو می‌زنم و بر تو عیب می‌گیرم، شاید بدین وسیله خطری را از تو دفع کرده باشم؛ چون دشمنان ما کسانی را که دوست ما هستند و نزد ما منزلت دارند، آزار و اذیت می‌کنند - تا اینکه فرمود: - پس گاهی ما تو را خدشه‌دار می‌سازیم تا دشمنان ما از تو خوششان بیاید و بدین وسیله شر و آسیب آنها را از تو بر طرف می‌کنیم (طوسی، بی تا: ص ۱۳۸).

سنجش منافع و هزینه‌ها

عنوان عامی که برای سنجش منافع و هزینه‌ها با یکدیگر، از منابع دینی استفاده می‌شود، اصطلاح «اهم و مهم» است؛ به این معنا که هنگام تراحم منافع و مفاسد، باید فایده‌ها و هزینه‌ها با یکدیگر مقایسه شوند، تا آنچه اهمیت بیشتری دارد، مقدم شود. البته این عنوان عامی است که شامل تراحم بین دو منفعت و بین دو مفسده نیز می‌شود.

در قرآن کریم موارد متعددی از سنجش منافع و هزینه‌ها و مقدم کردن آنچه مهم‌تر است، ذکر شده است؛ از جمله:

۱. ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام: ۱۰۸).

از نظر بسیاری از مفسران، با توجه به شأن نزول آیه فوق، معنای آن این است که: به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند، ناسزا نگویند که آنان نیز از روی جهل و دشمنی، به خداوند ناسزا می‌گویند. در این آیه خداوند دشنام دادن به بت‌ها را حرام کرده است. با اینکه این کار نوعی اهانت و تحقیر بت‌ها و خدای مشرکان است، ولی در آن مفسده‌ای نیز هست که مشرکان را به دشنام دادن به خداوند متعال ترغیب می‌کند. از این رو، خداوند از اهانت به بت‌ها و تحقیر آنها علی‌رغم مصحلت داشتن، به خاطر دفع مفسده‌ای بزرگ‌تر، نهی کرده است.

۲. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره: ۲۱۹).

در این آیه ضمن بیان اینکه باید منفعت‌ها را در کنار هزینه‌ها دید، به این حکم عقل ارشاد می‌شود که به دلیل بیشتر بودن هزینه‌ها از منافع، باید شراب و قمار کنار گذاشته شود.

۳. ﴿فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عِيلَةً فَسَوْفَ يَغْنِيْكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ﴾

(توبه: ۲۸).

بعد از دستور خداوند به اینکه مشرکان حق ندارند از سال آتی وارد مکه شوند، بسیاری از بازاریان نگران این بودند که تجارت و کسبشان از رونق بیفتد. باین حال، خداوند می‌فرماید که دستور عدم اجازه به مشرکان برای ورود به مکه، مهم‌تر است و خداوند اگر بخواهد، تجارت بازاریان را نیز رونق خواهد بخشید.

۴. ﴿قَالَ يَا بَنُ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ

قَوْلِي﴾ (طه: ۹۴).

هارون به عنوان یک دلیل پذیرفته شده می‌گوید: علت اینکه درباره گمراهی مردم برخورد تندی نکرده است، این است که هزینه آن بسیار بالاست. هزینه «تفرقه امت» بسیار بالاتر از «تبعیت از فرمان حضرت موسی علیه السلام» بوده است.

در روایات متعددی نیز سنجش منافع و هزینه‌ها ذکر شده است؛ چنانچه حتی قسم دروغ خوردن برای نجات جان دیگران، لازم دانسته شده است. امتیازات زیادی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای کسب فواید صلح حدیبیه به

کافران دادند، در کتاب‌های تاریخی و روایی موجود است؛ مثل اینکه «بسم الله الرحمن الرحيم» از ابتدای صلح‌نامه حذف شد. همچنین عنوان «رسول الله» حذف و به جای آن «محمد بن عبدالله» نوشته شد. اعطای امتیازات زیاد آن حضرت صلی الله علیه و آله به کفار تا آنجا بود که موجب انتقاد و خشم برخی صحابه شد و حتی سخنان درشت و سؤالات طعنه‌آمیزی در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله از آنان شنیده می‌شد (سبحانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۱۸۳).

به هر حال، مشروعیت تقدیم اهم بر مهم هنگام تراحم (بعد از سنجش منافع با یکدیگر، سنجش هزینه‌ها با یکدیگر، سنجش منافع با هزینه‌ها) از چنان وضوح برخوردار است که فقیه معاصر عبدالاعلی سبزواری آن را از فطریات دانسته است (عشایری و جزایری: ۱۳۹۰). عقل نیز حکم می‌کند که در تراحم، باید آنچه اهم است، مقدم شود؛ چرا که در کنار «تقدیم گزینه اهم»، سه گزینه رقیب وجود دارد؛ یکی تقدیم گزینه غیراهم، دوم انتخاب یکی بدون توجه به اهم و مهم بودنشان و دیگر ترک هر دو گزینه. بر اساس درک عقل، همه گزینه‌های رقیب قبیح هستند و تنها گزینه‌ای که عقل می‌پذیرد، همان تقدیم حکم اهم بر مهم است. جستارهای فقهی نیز نشان می‌دهد که هیچ فقیهی با این قانون مخالفت نکرده است (عشایری و جزایری: ۱۳۹۰). بنابراین می‌توان گفت که مشروعیت تحلیل هزینه فایده هنگام تصمیم‌گیری‌ها به دلایل متعدد شرعی قابل اثبات است.

تحلیل هزینه فایده اجتماعی و قواعد فقهی به ظاهر معارض

در تحلیل هزینه فایده، باید مصالح (منافع) و مفاسد (هزینه‌ها) با یکدیگر مقایسه شوند و طرفی که وزن بیشتری دارد، انتخاب شود. به نظر می‌رسد که این نوع تحلیل و سنجش، در نگاه اول با برخی از دیگر قواعد فقهی در تعارض باشد؛ لذا لازم است به طور گذرا به برخی از این قواعد اشاره نمود:

«تحلیل هزینه فایده» و قاعده «درء المفسد»

یکی از قواعد معروف فقهی، به خصوص نزد اهل سنت، این است که هنگام تراحم دوری از مفسده و کسب منافع، پرهیز از مفسده مهم‌تر از جلب مصلحت است (درء المفسد اولی من جلب المصلح). برای این قاعده به ادله مختلفی استدلال شده است؛ از جمله اینکه در هنگام تراحم، با پرهیز از مفسده نوعی مصلحت نیز جلب شده است؛ در حالی که اگر در تراحم، منفعت را (هرچند با ارتکاب مفسده) جلب کنیم، جانب پرهیز از مفسده به هیچ وجه محقق نشده است. واضح است آن چیزی مقدم است که با رعایت کردنش، دیگری نیز تا حدودی رعایت می‌شود. بنابراین در تراحم، دوری از مفسده اولی از جلب منفعت است (السوسه، ۲۰۰۴: ص ۱۰۷). دلیل دیگری که بر این قاعده اقامه شده است، روایتی از پیامبر گرامی اسلام است که فرمودند: «إذا نهیتکم عن شیء فاجتنبوه وإذا أمرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم» (طبرسی، ۱۹۹۵: ج ۳، ص ۴۲۹). استدلال شده است که طبق این حدیث شریف، دوری از مفاسد و منهیات، به چیزی مشروط نشده است و در هر حالی لازم است؛ اما به جای آوردن اوامر الهی، مشروط به قدرت و استطاعت شده است و واضح است که آنچه غیر مشروط است، بر آنچه مشروط است، مقدم است. بنابراین، می‌توان گفت که اهتمام و توجه شارع به دوری از منهیات، بیشتر از اهتمام و اعتنای او به امثال مأمورات است.

باین حال، قریب به اتفاق علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت، ادله این قاعده را ناتمام می‌دانند و



معتقدند وجود چنین قاعده‌ای نزد عقلا — که در همه موارد به آن استناد گردد — ثابت نشده است؛ زیرا چه بسا عقلا جلب مصلحت زیاد را بر دفع مفسده کم، مقدم می‌دارند و دلیلی هم از شرع بر اعتبار آن وجود ندارد. علامه نائینی در این باره می‌گوید: بلکه گاهی مطلب به عکس است؛ یعنی جلب منفعت اولی و ارجح است؛ زیرا منافع و مفاصد به حسب قلت و کثرت مختلف هستند و چه بسا که جلب نفعی از دفع مفسده‌ای اولی باشد و بر فرض تساوی منفعت و مفسده از جهت قلت و کثرت، برهانی بر اولویت دفع مفسده نسبت به جلب منفعت اقامه نشده است و بنای عقلا نیز بر آن ظهور ندارد؛ چنانچه در دوران بین غصب و انقاذ غریق، کسی حکم به اولویت دفع مفسده نداده است (واعظی: ۱۳۹۵)

با توجه به استثنائات زیاد قاعده، جمهور فقهای اهل سنت نیز صرفاً این قاعده را در جایی پذیرفته‌اند که مصلحت و مفسده با هم مساوی باشند. بنابراین، قاعده درء المفاصد کلیت ندارد و صرفاً در موارد تعادل مصلحت و مفسده و یا اغلبیت مفسده می‌توان به قاعده تمسک کرد (السو سوه، ۲۰۰۴: ص ۱۰۸). بنابراین، قاعده تعارضی با تحلیل هزینه فایده ندارد.

تحلیل هزینه فایده و دو قاعده «لاضرر» و «الضرر لا یزیل بالضرر»

تحلیل هزینه فایده با دو قاعده «لاضرر» و «الضرر لا یزیل بالضرر» منافاتی ندارد؛ زیرا وقتی می‌توان با مفسده و هزینه کمتر مشکل را مرتفع کرد، اتخاذ مفسده عام‌تر و بزرگ‌تر، نوعی ضرر و اضرار به بخش عمومی است که باید از آن جلوگیری نمود؛ چرا که ترک مصلحت نیز مفسده است. شیخ انصاری^(ره) صرف مصلحت ملزمه را در واجبات نمی‌پذیرد؛ بلکه قائل به وجود مفسده ملزمه در ترک واجبات نیز هست و دو دلیل برای سخن خود اقامه می‌کند که عبارت‌اند از:

۱. اگر ترک واجبات، دارای مفسده نبود و حرام نمی‌شد، لازمه‌اش این بود که این عمل واجب و الزامی نباشد؛ چون صرف فوات منفعت، سبب الزام نیست؛ آن‌گاه خیلی از مردم می‌گویند ما نمی‌خواهیم به ثواب‌های بهشتی برسیم و هیچ‌یک از واجبات را انجام نمی‌دهند.

۲. اگر انجام واجبات فقط دارای مصلحت باشد و در ترکشان مفسده نباشد، لازمه‌اش این است که کوچک‌ترین محرمات از بزرگ‌ترین واجبات مهم‌تر باشد؛ چون ارتکاب آن حرام سبب عقوبت می‌شود؛ ولی ترک این واجب مهم دارای عقوبت نیست؛ بلکه صرفاً عدم النفع است؛ در حالی که کسی به آن قائل نیست (انصاری، ۱۴۱۹: ج ۲، ص ۱۸۸)؛ ضمن اینکه قاعده «الضرر لا یزیل بالضرر» به معنای این نیست که برای پرهیز از مفسده بزرگ‌تری، می‌توان مفسده کوچک‌تر را برگزید که هزینه کمتری دارد؛ بلکه به این معناست که در جایی که مفسده طرح‌های جایگزین وزن برابری دارند، نمی‌توان با انتقال ضرر به دیگری، ضرر را از خودمان دفع بکنیم؛ چنانچه جایز نیست انسان مضطر گرسنه، طعام کسی را بخورد که او هم مضطر است (السو سوه، ۲۰۰۴: ص ۸۰). چنانچه اگر امر دائر باشد بر اینکه فرد مضطر خود کشته شود یا دیگری را از بین ببرد، بر فرد جایز نیست دیگری را بکشد (علی‌آبادی و اسفندیاری: ۱۳۹۴).

تحلیل هزینه فایده و «قاعده انصاف»

برخی از فقها در مورد اطلاق تحلیل هزینه فایده شک و تردید روا داشته‌اند. آیت‌الله فاضل لنکرانی بیان می‌کند

که قانون اهم و مهم فقط در باب «تزامم تکالیف» کاربرد دارد و نه در باب «تزامم حقوق». در تزامم حقوق تا جایی که ممکن است، باید بر اساس قاعده عدل و انصاف جانب هر دو حق را رعایت کرد؛ چنانچه در مسئله شخص ودیعه پذیر که دو نفر هرکدام یک درهم در نزد او به امانت نهاده بودند نیز، وقتی که او یکی از دو درهم را گم کرده بود، در بازگرداندن یک درهم باقی مانده قانون اهم و مهم اجرا نمی شود؛ بلکه از روی عدل و انصاف، درهم باقی مانده در بین آنها تقسیم می شود. وقتی یک میت بدهی های متعددی داشته باشد، اما اموال بر جای مانده اش کفاف همه بدهی هایش را نکند، آیا باید با اجرای قانون اهم و مهم، فقط برخی از بستانکاران را (که اهم هستند) به حق خود رساند و بقیه را (که مهم هستند)، از حق خود محروم کرد یا اینکه با اجرای قاعده عدل و انصاف باید هریک از بستانکاران را به بخشی از حق خود رساند (عشایری و جزائری: ۱۳۹۰). به نظر می رسد، این اشکال بر قاعده مهم و عقلی اهم و مهم وارد نباشد. ضمن اینکه همین فقیه در مسئله مشابه دیگری در تزامم حقوق، به جای اجرای قاعده عدل و انصاف، همان قانون اهم و مهم را اجرا کرده است (عشایری و جزائری: ۱۳۹۰). باید توجه نمود که مقتضای قاعده اهم و مهم در حقوق مالی مثل مسئله درهم ودعی صرفاً این نیست که جانب یکی از ذی حق ها مقدم شود و دیگری کلاً نادیده گرفته شود. به عبارتی اهم و مهم کردن تقسیم اموال در این مسئله، فقط در سطح افراد نیست؛ بلکه نسبت به روش تقسیم اموال هم هست؛ چه بسا مقتضی سبک و سنگین کردن روش های مختلف اموال، این باشد که اهم این است که به هر دو طرف به طور مساوی داده شود و یا با توجه به مشکل خاص یک طرف مثل اینکه به خاطر بیماری حفظ جاننش در گرو همین مال است، جانب یک طرف اهم تلقی شود. ضمن اینکه چنانچه فقه های بسیاری نیز تصریح کرده اند حدود و ثغور قاعده انصاف مبهم است و در تعالیم امامان شیعه عدل و انصاف کلیت لازم را ندارد تا بتوان به آن به عنوان یک قاعده نگریست و چنین قاعده ای نه در شرع و نه در عرف ثابت نشده است (عشایری و جزائری: ۱۳۹۰).

نرخ تنزیل طرح ها در تحلیل هزینه فایده اجتماعی اقتصاد اسلامی

هزینه ها و منافع بیشتر طرح های بخش عمومی، در یک زمان رخ نمی دهد و باید از «نرخ تنزیل اجتماعی»^۱ (SDR) استفاده شود که در واقع بیانگر نرخ است که جامعه هزینه و فواید کنونی اش را با هزینه و فواید آتی جامعه معاوضه می کند. از طرفی حرام بودن نرخ بهره در اسلام، چه بسا این نظر را به ذهن متبادر کند که تحلیل هزینه فایده را نمی توان در اقتصاد اسلامی به کار گرفت. ولی باید توجه داشت که «نرخ بهره» که در اسلام حرام است، کاملاً متفاوت از «نرخ تنزیل اجتماعی» است. «نرخ بهره» حتی متفاوت از «نرخ بازگشت سرمایه» در تحلیل های هزینه فایده طرح های بخش خصوصی است. حتی در یک اقتصاد رایبسنسون کروزونه ای می توان نرخ بازگشت سرمایه گذاری را تصور کرد؛ چنانچه اگر شخص از خوردن ماهی صرف نظر کند و زمان آن را صرف ساختن تور ماهی کند تا به او در گرفتن ماهی بیشتر در آینده کمک کند، با در نظر گرفتن اینکه وی با از دست دادن این سبد مصرفی در زمان حال می تواند سبد مصرفی بیشتری را در زمان آینده به دست بیاورد، می توان نرخ بازگشت سرمایه را

1. Social Discount Rate.



در این فعالیت محاسبه کرد. ولی نرخ بهره در چنین اقتصادی معنا ندارد؛ چرا که نرخ بهره از ارتباط بین وام‌دهنده و وام‌گیرنده انتزاع می‌شود و نیازمند دو طرف است. بنابراین، آنچه در تنزیل تحلیل هزینه فایده انجام می‌شود و بر اساس آن، ارزش حال یک جریان انتظاری محاسبه می‌شود، حلال است و صرف نامیده شدن جداول مربوطه به جدول نرخ بهره مرکب، باعث دگرگونی در حکم شریعت نمی‌شود (زرقاء، ۱۳۸۴: ص ۴۹۰). بنابراین، استفاده از نرخ ترجیح زمانی در اقتصاد اسلامی بدون اشکال است و می‌توان با استفاده از آن، منافع و هزینه‌های اجتماعی را برای صرف وجوه بخش عمومی تنزیل نمود^۱.

روش انجام تحلیل هزینه فایده اجتماعی در اقتصاد اسلامی

با روشن شدن مفهوم تحلیل هزینه فایده اجتماعی و نیز «مشروعیت آن و عدم مخالفت آن با دیگر قواعد فقهی»، لازم است «روش تحلیل هزینه فایده» مورد تأیید اقتصاد اسلامی، بررسی شود. در تحلیل هزینه فایده اجتماعی، عوامل مؤثر در محاسبه منافع و هزینه‌ها به شرح زیر است:

وزن بیشتر به منافع و هزینه‌های با اولویت بالاتر

بسیاری از علمای اهل سنت به تبع شاطبی (۲۰۱۱، ج ۲: ص ۵۱) مصلحت‌های معتبر شرعی را که در سیاست‌ها و برنامه‌های اسلامی باید رعایت شود، در پنج امر زیر دانسته‌اند:

۱. حفظ دین؛
۲. حفظ نفس؛
۳. حفظ عقل؛
۴. حفظ نسل؛
۵. حفظ مال.

هر سیاست و برنامه در راستای تحقق هر کدام از این مقاصد شریعت، با توجه به «درجه ضرورت آن در حفظ آن مقصد» در یک طیف سه‌درجه‌ای ضروریات، حاجیات و تحسینیات طبقه‌بندی می‌شوند:

ضروریات: سطحی از نیازهاست که برای تحقق مصالح پنج‌گانه فوق ضروری شده است و بدون آنها مصالح فوق و به تبع آن، نظام اسلامی مختل می‌شود؛

حاجیات: سطحی از نیازهاست که رعایت آنها باعث رفع ضیق و حرج در مصالح پنج‌گانه فوق می‌شود؛ هرچند فقدان آنها باعث از بین رفتن کلی آن مصالح نمی‌شود، همانند رعایت اصول ایمنی در جاده برای حفظ جان انسان‌ها؛

تحسینیات: تحسینیات که به آن کمالات نیز گفته می‌شود، سطحی از نیازهاست که به حد ضرورت و حرج نمی‌رسد؛ هرچند دنبال کردن آن باعث بهبود و تحسین زندگی می‌شود، همانند زیباسازی شهری (المجاطی: ۲۰۱۱).

این تقسیم‌بندی و اولویت‌بندی مصالح پنج‌گانه منحصر به فقها و اندیشمندان اهل سنت نیست و در کلمات

^۱ طبق برخی پژوهش‌ها، نرخ ترجیح زمانی برای طرح‌ها و برنامه‌های بخش عمومی کشور ج.ا.ایران، ۵/۲ درصد برآورد شده است (شیردل و همکاران: ۱۳۹۶).

۱. شهید اول (۷۸۶م) در القواعد والفوائد (ج ۱، ص ۳۶) می گوید: «الْوَسِيلَةُ الرَّابِعَةُ مَا هُوَ وَصَلْتُ إِلَى حِفْظِ الْمَقَاصِدِ الْخَمْسَةِ وَهِيَ النَّفْسُ وَالْذِّينَ وَالْعَقْلُ وَالنَّسَبُ وَالْمَالُ وَهِيَ الصُّورِيَّاتُ الْخَمْسُ».

۳. فاضل مقداد (م ۸۲۶) در التقيح الرائع لحفظ الشرائع (ج ۱، ص ۱۵) می‌گوید: «أَنَّ الشرائع جَاءَتْ لِحِفْظِ الْمَقَاصِدِ الْخَمْسَةِ وَهِيَ الدِّينَ وَالنَّفْسَ وَالْمَالَ وَالنَّسَبَ وَالْعَقْلَ».

۵. مرحوم صاحب جواهر (م ۱۲۶۶) نیز در کتاب الحدود جواهر الکلام (ج ۴۱ ص ۲۵۸) در باب حد زنا آن را آورده است.

بنابراین، برنامه‌های بخش عمومی نیز به همین ترتیب (در پنج مقصد و هر کدام در سه رتبه) قابل طبقه‌بندی است:

۲. ضروریات حفظ نفس (همانند تأمین ارزاق ضروری)، حاجیات حفظ نفس (همانند برنامه‌های ضد فقر و واکسیناسیون) و تحسینات حفظ نفس (همانند تقویت ورزش‌های همگانی)؛

۳. ضروریات حفظ عقل (همانند برنامه مبارزه با قرص‌های روان‌گردان و مشروبات الکلی)، حاجیات حفظ عقل (همانند تقویت آموزش) و تحسینات حفظ عقل (همانند ترویج مسابقات فکری)؛

۴. ضروریات حفظ نسل (همانند برنامه‌های تقویت خانواده و مبارزه با بی‌عفتی)، حاجیات حفظ نسل (همانند ازدواج آسان) و تحسینات حفظ نسل (برنامه‌های تغذیه مناسب برای طول عمر)؛

۵. ضروریات حفظ مال (همانند تضمین حقوق مالکیت)، حاجیات حفظ مال (همانند تقویت نظام بیمه) و تحسینات حفظ مال (همانند نوآوری‌های بانکی).

یادآوری این نکته لازم است که مصادیق هریک از ضروریات، حاجیات و تحسینیات، در طول زمان ممکن است تغییر کند؛ مثلاً امری که زمانی از تحسینیات بوده، ممکن است در شرایط دیگری از حاجیات باشد. به‌رحال، این تقسیم‌بندی می‌تواند تا حدودی بخش عمومی را در اولویت‌بندی مصالح کمک کند.

وزن بیشتر به منافع و هزینه‌های با شمول بیشتر

ببه این معنا که مصالح افراد با یکدیگر جمع می‌شود و مصالحی که عام‌تر باشد، بر مصالحی که تعداد کمتری را



شامل می شود، مقدم می شود و مصلحت خاص رها می شود. عقلا درست نیست که مصلحت عامی را به خاطر جمع کوچکی ترک کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: برنامه ای باید در اولویت قرار گیرد که عدالت را در سطح وسیع تری شامل حال مردم کند؛ یعنی سطح تماسش با مردم و منافع مردم وسیع تر باشد و رضایت و خشنودی عامه و توده های مردم را بیشتر جمع کند: «لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ... أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ، وَأَجْمَعُهَا لِلرَّعِيَّةِ، فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يَجْجِفُ بِرَضَى الْخَاصَّةِ، وَإِنْ سُخْطَ الْخَاصَّةِ يَغْتَفِرُ مَعَ رَضَى الْعَامَّةِ» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). قاعده فقهی «یتحمل الضرر الخاص فی سبیل دفع الضرر الخاص» به همین معناست و به همین خاطر است که مصلحت امت اسلامی بر مصلحت جماعت و طایفه معینی غلبه می کند. ترجیح دادن مصلحت عده کمتر، اجحاف و نادیده گرفتن مصلحت عامه است. تخریب منازل برای احداث خیابان و توسعه آن، مدرسه سازی و مانند اینها همه با ابتنا بر این قاعده فقهی دنبال می شود. (السوسوه، ۲۰۰۴: ص ۵۷).

وزن بیشتر به منافع و هزینه هایی که در زمان طولانی تری افراد را متأثر می کنند.

در قرآن کریم در مواضع متعددی استدلال شده است: هنگامی که انسان خود را در دوراهی های متعارض می بیند، اقتضای عقلانیت، برگزیدن طرفی است که دارای نفع طولانی تری است. قرآن کریم خطاب به کسانی که در برابر دعوت به هدایت پیامبر شان، خود را در سر دوراهی «تبعیت از حق» و «اجبار به تبعید» می دیدند: ﴿وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهْدَىٰ مَعَكَ تَخْطِفُ مِنْ أََرْضِنَا﴾ (قصص: ۵۷)، استدلال می کند: باید طرفی را برگزید که نفع آن دوام بیشتری دارد: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَوْمٍ بِطَرَفٍ مَعِيشَتَهَا قَتَلَتْكَ مَسَاكِينُهُمْ لَمْ تَسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ... وَمَا أَوْثَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص: ۵۸ و ۶۰). همین استدلال در آیات مختلف دیگری نیز در قرآن کریم استفاده شده است؛ از جمله: ﴿وَرَزَقْنَاكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: ۱۳۱)، ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (اعلی: ۱۷) و ﴿وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾ (طه: ۷۳). استدلال به «خلود» در جاهای متعدد قرآن کریم نیز روایت دیگری از همین استدلال است: ﴿زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاَبِ قُلْ أُوَسِّيْكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا﴾ (آل عمران: ۱۴-۱۵). در متون فقهی ما نیز «صدقه جاریه» برتر از دیگر صدقات دانسته شده است؛ چرا که نفع صدقه جاریه حتی بعد از وفات صدقه دهند، ادامه می یابد. به این لحاظ در مقام توزین مصالح، گاهی مصلحت کوچکی که اقتضای استمرار را دارد، چه بسا باید بر مصلحتی که در وهله اول بزرگ به نظر می رسد، ولی اثرش منقطع است، مقدم شود (السوسوه، ۲۰۰۴: ص ۶۲). یکی از مثال های فقهی این توزین، حکم زمین های «مفتوح عنوه» است که در آن مصلحت طولانی بین نسلی (به ملکیت درآمدن برای مسلمانان) مقدم بر مصلحت موقت (ملکیت صحابه بر آن) شده است.

وزن بیشتر به منافع و هزینه های با درجه ی تحقیق بیشتر

به این معنا که مصلحتی که احتمال تحقق آن بالاست و به نحو یقینی و یا ظنی تحقق خواهد یافت، مقدم است بر مصلحتی که اصولاً احتمال تحقق آن اندک است. این اصل بر اصول پیشین حاکم است؛ چرا که اصول و قواعد قبلی مصلحت، وقتی مهم هستند که محقق شوند و آن موقع است که می توان آنها را مصلحت و نفع نامید. بنابراین،

اگر مصلحتی هرچند با رتبه بالایی مثل حفظ دین و با درجه ضرورت بالا، احتمال تحقق آن کم باشد، در سنجش مصالح، وزن اندکی به آن اختصاص می‌یابد. برای مثال، چنانچه گفتیم جهاد برای حفظ دین بالاترین مرتبه مصالح است. با اینحال اگر عدد و یا امکانات مسلمانان آن قدر کم باشد که به احتمال قوی شکست خواهند خورد، مصلحت حفظ نفس که در رتبه پایین‌تر است، ولی احتمال آن قوی‌تر است، بر آن مقدم می‌شود. برخی فقهای عظام گفته‌اند که جهاد در صورتی واجب می‌شود که قدرت نظامی مسلمانان برای مقابله با دشمن و پیروزی بر آن به حسب متعارف کافی است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۶۳). به این جهت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز فقط زمانی به جهاد اقدام می‌کردند که ظن راجح و یا یقین به پیروزی داشت و هر زمان که جبهه مسلمانان ضعیف بود، به گونه‌ای که به احتمال قوی شکست می‌خوردند، اقدام به جهاد نمی‌فرمودند (السوسوه، ۲۰۰۴: ص ۶۵).

با دقت در این ملاک‌ها می‌توان به وضوح فهمید که این عوامل همان عوامل مؤثر در تحلیل هزینه فایده اجتماعی در اقتصاد متعارف است:

$$\sum \frac{P_{ikt}B_{ikt}}{(1+r+p)^t} - \sum \frac{P_{ikt}C_{ikt}}{(1+r+p)^t}$$

B_{ikt} منفعت i ام فرد k ام در زمان t است. P نیز وزنی است که برای اهمیت آن لحاظ شده است. p درجه عدم اطمینان است و r نرخ رجحان اجتماعی است. بنابراین، «اهمیت بر اساس فقه اولیه» با عامل P ، «مدت زمان بیشتر» با عامل t ، «درجه تحقق» با عامل p و r و نهایتاً «شمول بیشتر» با جمع بین منافع خالص افراد مختلف (منفعت i ام فرد k ام) نشان داده شده است.

البته برای تشخیص اینکه کدام برنامه و سیاست نفع بزرگ‌تر و مؤثرتری را عاید اجتماع مسلمین می‌کند، لازم نیست به قطعیت برسیم؛ بلکه احتمال نیز کفایت می‌کند. این قاعده مهم در کتاب‌های فقهی و اصولی با عنوان لزوم «ترجیح محتمل الأهمیه» بیان شده است. مرحوم مظفر در کتاب اصول فقه می‌فرماید: این گونه تزامم اولویت‌ها و موازنات، بی شمار رخ می‌دهد و آنچه باید دانست این است که اگر عقلاً احتمال دادیم اهمیت یک طرف بیشتر از دیگری است، مقتضای احتیاط این است که طرف محتمل الأهمیه مقدم شود. این احتیاط حکمی عقلی است که در تمام مواردی که این گونه تزامم‌ها رخ می‌دهد، جاری است. بنابراین، در این موارد لازم نیست اهمیت یکی قطعاً احراز شود؛ بلکه احتمال اهمیت نیز کفایت می‌کند و این اصلی است که نفع زیادی در فروع فقهی دارد (المظفر، ۱۳۸۱: ج ۲، ص ۳۹۵). بنابراین، در مسئله ترجیح یک برنامه و سیاست هنگام تزامم با دیگر برنامه‌ها، اهم بودن یک طرف با احتمال عقلانی مرجح بودن نیز راهگشاست. به این صورت، مجال وسیعی برای تحلیل هزینه فایده در بخش عمومی اقتصاد اسلامی باز می‌شود که می‌توان با روش‌های مقداری نیز نسبت به ترجیح داشتن یک برنامه و یا سیاست اظهار نظر کرد.

باین حال، در به‌کارگیری تحلیل SCBA در بخش عمومی اقتصاد اسلامی نمی‌توان ارزیابی، ارزش‌گذاری و توصیه هر عمل و سیاستی را به نوعی حل و فصل ریاضی و اخلاقی فروکاست. این گونه تحلیل منجر به صدور دستورالعمل‌های گمراه‌کننده و غیراخلاقی می‌شود. به طور مثال در چارچوب SCBA اقتصاد متعارف می‌توان

ارزش‌گذاری هزینه‌ها دوری می‌شود؛ چون فرض بر این است که به دنبال قضاوت بین جایگزین‌هایی هستیم که با هزینه و مفاسد یکسان و یا مشابهی به دست می‌آید. در این تحلیل، صرفاً منفعتی که با فرض هزینه معینی به صورت غیرپولی بیان شده (بر حسب متر، میلی گرم بر لیتر، نفر و...)، با یکدیگر مقایسه می‌شود و به صورت نسبتی بیان می‌شود که مخرج آن هزینه کردن میزان خاصی است و صورت کسر منافع به دست آمده قرار دارد.

با این حال استفاده از این تحلیل، مشکلات و محدودیت‌های زیادی در تصمیم‌گیری‌های بخش عمومی دارد؛ نخست اینکه صرفاً می‌توان برای سنجش برنامه‌هایی از آن استفاده کرد که هزینه‌های مشابهی دارد؛ در حالی که بیشتر جایگزین‌ها در هر برنامه، با هزینه‌های متفاوتی قابل دسترسی است.

«تحلیل سنجش بین هزینه‌ها»

این تحلیل که در واقع همان تحلیل هزینه اثر بخشی^۱ در اقتصاد متعارف است، در جایی استفاده می‌شود که قضاوت بین طرح‌هایی با منافع مساوی (و یا مشابه) صورت می‌گیرد؛ به این صورت که هزینه اتخاذ روش‌های مختلف برای کسب این هدف با همدیگر مقایسه می‌شود و طرحی که با کمترین هزینه همان منافع را ایجاد کنند، انتخاب می‌شود. بنابراین در این تحلیل، از مشکلات مربوط به سنجش و ارزش‌گذاری منافع دوری می‌شود. در این تحلیل تمرکز ما بر این است که چطور هزینه‌ها و مفاسد هر برنامه را با یکدیگر بسنجیم و طرحی با کمترین هزینه را برای تحقق اهداف و مصالح مورد نظر انتخاب کنیم؛ بنابراین، به گونه‌ای مشابه قواعد کلی «سنجش مفاسد با یکدیگر» با سنجش مصالح بیان می‌شود. پس هرچه وزن مفاسد ای بیشتر باشد، باید نسبت آن بیشتر احتراز شود و طرحی انتخاب گردد که وزن کمتری در مفاسد دارد. در تحلیل سنجش هزینه‌ها، از مشکلات مربوط به سنجش و ارزش‌گذاری منافع مهمی مثل ارزش حفظ جان انسان و محیط زیست دوری می‌شود؛ چون فرض این است که به دنبال قضاوت بین جایگزین‌هایی هستیم که منافع یکسان و یا مشابهی را ایجاد می‌کنند. در این تحلیل صرفاً هزینه‌هایی که برای تحصیل هدف معینی که به صورت غیرپولی بیان شده (مثل بر حسب متر، میلی گرم بر لیتر و نفر) با یکدیگر مقایسه می‌شود و به صورت نسبتی بیان می‌شود که مخرج آن به دست آوردن منفعتی خاص است و صورت کسر هزینه‌های مورد نیاز برای بهبود و کسب آن منافع.

با این حال صرفاً می‌توان از آن در سیاست‌ها و برنامه‌هایی استفاده کرد که منفعت و خروجی یکسان و مشابهی دارند و نمی‌توان از آن برای مقایسه برنامه‌هایی با منافع متفاوت استفاده کرد.

۲) انتشار راهنما و دستورالعمل به کارگیری تحلیل هزینه فایده

با توجه به برخی دشواری‌ها در سنجش هزینه و فایده طرح‌های بخش عمومی، برای تسهیل انجام تحلیل هزینه فایده، در مقام به کارگیری آن، معمولاً از طرف مؤسسات و سازمان‌های بخش عمومی ابلاغیه، راهنما و دستورالعمل‌هایی صادر می‌شود. صدور راهنما و دستورالعمل روش به کارگیری تحلیل هزینه فایده در برخی کشورها بسیار فراگیر شده است. در این راهنما معمولاً اصول کلی، نرخ‌های تنزیل اجتماعی، ارزش‌گذاری برخی منافع مثل حفظ جان انسان و برخی منابع طبیعی ... جهت استفاده در تحلیل هزینه فایده بیان می‌شود تا نهادهای زیردست با

رویکرد واحدی آن را در سیاست‌های عمومی خود در تمام طرح‌ها و برنامه‌های بخش عمومی دنبال کنند و بتوان نتایج تحلیل هزینه فایده را با یکدیگر مقایسه نمود. در ایالات متحده آمریکا «اداره تحلیل مقررات و داده‌ها» (OIRA) و سازمان محیط زیست (EPA) هر سال، کتاب‌های راهنمای دولتی استفاده از تحلیل هزینه فایده را منتشر می‌کنند. خزانه‌داری انگلستان نیز با مشارکت دیگر سازمان‌های دولتی، هر چند سال، کتاب‌های راهنمایی استفاده از تحلیل هزینه فایده را منتشر می‌کند. در کشورهای کانادا و استرالیا، همچنین در اتحادیه اروپا نیز کتاب‌های راهنمای دولتی استفاده از تحلیل هزینه فایده منتشر می‌شود. در اقتصاد اسلامی نیز می‌توان با انتشار این راهنما، نرخ‌ها و ارزش‌گذاری‌های صوری برخی منافع و هزینه‌های مهم اجتماعی را بیان کرد تا با کمک آن بتوان میزان مبادله ذاتی را که در بخش عمومی است، به خوبی روشن کرد.

صلاحیت‌های لازم برای انجام سنجش و تشخیص مصلحت

با توجه به مباحث فوق روشن شد که تحلیل هزینه فایده اجتماعی را می‌توان در سطح وسیعی از تصمیمات دولت اسلامی به کار برد؛ لکن اینکه چه کسی می‌تواند این معیارها و قواعد را با واقعیت‌های خارجی انطباق دهد، بحثی است که در ادبیات فقهی، به «مؤهلات الموازن» و یا «مرجع تشخیص مصلحت» موسوم است. واضح است که علاوه بر ترسیم معیارها، باید نحوه تشخیص و تطبیق معیارها با واقعیت‌های خارجی نیز مورد نظر قرار گیرد. بدون تبیین شرایط موازن، بودجه‌ها و امکانات دولتی به سمت طرح و برنامه گروه‌هایی خواهد رفت که قدرت و نفوذ بیشتری دارند. تخصیص امکانات بر طبق هوی و هوس و قدرت فشار گروه‌های اجتماعی، نتیجه‌ای جز از بین رفتن همه چیز نخواهد داشت. در اقتصاد اسلامی، در برابر متولی تشخیص مصلحت، تعبد خاصی وجود ندارد. آنچه مقتضای عقل و مطابق بنای خردمندان است، شارع آن را امضا کرده است. (گیلک حکیم‌آبادی: ۸۹). بنابراین، بر اساس آنچه به تفصیل در تبیین «معیارهای عام» و «معیارهای مقاصد» بیان گردید، می‌توان شرایط متولیان تشخیص مصلحت را به شرح زیر دانست:

۱. تسلط کافی به فقه حکومتی و اجتماعی، به طوری که بتواند مشروعیت طرح و برنامه‌ها را بر اساس منابع دینی تشخیص دهد؛
۲. آشنایی به مقاصد و اهداف شریعت، به طوری که بتواند سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف بخش عمومی را در درجات مختلفی که ذکر آن رفت، در فهرستی از اولویت‌ها طبقه‌بندی کند؛
۳. آشنایی با علومی که باعث حفظ جان انسان‌ها، محیط زیست و سایر منافع اجتماعی در زمان حال و آینده می‌شود؛
۴. آشنایی با تخصص و علوم مختلف متناسب با طرح و برنامه مورد بحث، به طوری که بتواند بهترین روش‌ها با کمترین هزینه‌ها را تشخیص دهد؛
۵. آشنایی با محاسبات فنی تحلیل هزینه فایده با استفاده از نرخ تنزیل، درجه احتمالات و

واضح است که این همه صرفاً با شرکت و به‌کارگیری جمع‌زبانی از اسلام‌شناسان، متخصصین و کاردanan انجام می‌پذیرد؛ نه با سپردن امر به یک نفر و یا یک شورا که بخواهد با رأی‌گیری کار را به سامان برساند. لازم است در

سازمانی که متولی تخصیص امکانات و بودجه‌های دولتی است، سازوکاری برای تشخیص و انطباق این معیارها لحاظ شود تا امکانات نظام اسلامی به بهترین وجه اختصاص یابد.

نتیجه‌گیری

اگرچه بخش عمومی در اقتصاد اسلامی همواره دغدغه‌های مهمی چون «تحقق عدالت اجتماعی»، «فراهم‌سازی زمینه یک زندگی مؤمنانه و متعهدانه برای افراد جامعه» و «دستیابی به توسعه بر پایه اخلاق و ارزش‌های اسلامی» و ... را دارد، اما این امر به این معنا نیست که ارزیابی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در بخش عمومی اقتصاد اسلامی، باید بر اساس ایده‌آل‌نگری‌های بی‌پایان و غیرشفاف، به طور احساسی و بدون لحاظ منطقی هزینه فرصت تصمیمات اجتماعی اتخاذ می‌شود. تصمیمات بخش عمومی اقتصاد اسلامی می‌تواند بر اساس منطق SCBA انجام شود؛ هرچند استفاده از این تحلیل به معنای نادیده گرفتن مشکلات و نواقص SCBA نیست. در اقتصاد اسلامی بخش عمومی ضمن تأکید بر آرمان‌های خود، گزینه‌ها را روی «میز تصمیم‌گیری» قرار می‌دهد تا با دیگر ترجیحات اجتماعی مقایسه شود. آنگاه با یک معیار مشترک عقلانی و واضح، از تصمیم‌گیری‌های اجتماعی خود دفاع می‌کند.

در این مقاله نشان دادیم که استفاده از SCBA با توجه به منابع دینی مشروعیت دارد و با دیگر قواعد فقهی چون قاعده «درء المفسد»، «لاضرر» و «الضرر لا یزیل بالضرر» و «قاعده انصاف» نیز منافاتی ندارد. همچنین عوامل مؤثر در به‌کارگیری SCBA را بیان کردیم و برای پرهیز از افتادن در شیب لغزنده اخلاقی، راهکارهایی ارائه گردید. با این حال باید تأکید کرد که SCBA به عنوان یک روش انحصاری و مستقل در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی اقتصاد اسلامی شناخته نمی‌شود؛ بلکه ابزاری برای شناخت و درک بیشتر برخی مشکلات پیش رو و مقابله با آنهاست. بنابراین، نباید انتظاری فراتر از یک ابزار ارائه اطلاعات از SCBA داشت؛ بلکه باید آن را در کنار (و نه در مقابل) مقررات‌گذاری لحاظ نمود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه

۱. استیگلیتز، ژوزف ای (۱۳۹۱). *اقتصاد بخش عمومی*، ترجمه: دکتر محمد مهدی عسکری، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۹ق). *فرائد الاصول*، قم، مجمع فکر اسلامی.
۳. الحر العاملی (۱۴۱۴). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، الطبعة الثانية، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۴. خوبی، سید ابوالقاسم؛ منهاج الصالحین، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
۵. زرقاء، محمد انس (۱۳۸۴). «ارزیابی طرح و تنزیل ارزش زمان»، ترجمه: محمد تقی نظریور، *درس‌های در اقتصاد اسلامی*، قم، انتشارات دانشگاه مفید.
۶. سبحانی، جعفر (۱۳۸۵ش). *فروع ابدیت*، چاپ بیست و یکم، قم، بوستان کتاب.
۷. السوسوه، عبدالمجید محمد (۲۰۰۴). *فقه الموازنات فی الشریعة الاسلامیه*، الامارات العربیه المتحده-دبی، دارالقلم.
۸. شیردل، رامین و همکاران (تابستان ۱۳۹۶). «برآورد نرخ تنزیل اجتماعی ایران با رویکرد نرخ زمانی جامعه»، فصلنامه *سیاست‌های مالی و اقتصادی*، شماره ۱۸.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۹۹۵). تفسیر مجمع البیان؛ مصادر التفسیر عند الشیعه؛ الطبعة الاولى.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *اختیار معرفه الرجال*، مؤسسه آل البيت ع لإحياء التراث.
۱۱. عربی، سیدهادی (۱۳۸۷). «از اقتصاد اثباتی تا اقتصاد هنجاری»، فصلنامه علمی پژوهشی *روش‌شناسی علوم انسانی*.
۱۲. عشایری منفرد، محمد و سید حمید جزائری (زمستان ۱۳۹۰). «قلمرو مصلحت و عدالت در قلمرو احکام و حقوق زنان»؛ فصلنامه *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۵۴.
۱۳. علی آبادی، عبدالصمد و رضا اسفندیاری (بهار و تابستان ۱۳۹۴). «واکاوی قاعده دفع افسد به فاسد از دیدگاه مذاهب فقهی»، دو فصلنامه *پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی*، شماره ۳.
۱۴. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و مصلحت*، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. فرانک، روبرت اچ (۱۳۹۱). «چرا تحلیل هزینه فایده بحث برانگیز است؟»، از مجموعه مقالات کتاب *فلسفه اقتصاد* مروی بر ادبیات، ترجمه: سیدحسین رضوی پور، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۶. قرآنی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۷. القرضاوی، یوسف (۱۹۹۶). *فی فقه الاولویات، دراسه جدیده فی ضوء القرآن و السنه*، الطبعة الثانية، قاهره، مکتبه وهبه.
۱۸. گیلک حکیم آبادی، محمدتقی (۱۳۹۲). *اقتصاد رفاه با نگرش اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۹. لویت، استیون (۱۳۸۶). *اقتصاد ناهنجاری‌های پنهان اجتماعی*، ترجمه: سعید مشیری، تهران، نشر نی.
۲۰. المجاطی، حمزه بن عبدالعزیز (۲۲ فرایر ۲۰۱۱). «اقسام المقاصد عند الشاطبی»، *جريدة الشرق الأوسط*، رقم ۱۱۷۷۴.
۲۱. مظفر، محمد رضا (۱۳۸۱). *اصول الفقه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. معارفی، محسن (۱۳۹۷). *بررسی تطبیقی سیاستگذاری عمومی در اقتصاد متعارف و اقتصاد اسلامی*؛ رساله ی دکتری *قرآن و اقتصاد*، جامعه المصطفی العالمیه.

۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۸۵). *دائرةالمعارف فقه مقارن*، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۲۴. نظری، حسن آقا (۱۳۹۰). *مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی*، تهران، انتشارات سمت.
۲۵. واعظی، میرزا محمد (پاییز ۱۳۹۵). «تأملی در قاعده انگاری اولویت دفع مفسده از جلب منفعت»، *فصلنامه فقه و اصول*، شماره ۱۰۶.

26. Ackerman, Frank; And Kerry Smith and Lisa Heinzerling; "Cost-benefit analysis is often used to support industry wish lists. Should we blame the method or the masters?" American Prospect; May 12, 2004.
27. Adler D. Matthew and Eric A. Posner; "Rethinking Cost-Benefit Analysis"; THE LAW SCHOOL THE UNIVERSITY OF CHICAGO; Yale Law Journal, Vol. 109, 1999.
28. Fiske, A. P.; "Human sociality, The Inherent Sociability of Homo sapiens"; The International Society for the Study of Personal Relationships; ships Bulletin, N 14, 1998.
29. Posner, Eric A; "Rethinking cost benefit analysis"; Journal Article of Faculty Scholarship; University of Chicago law school, Chicago Unbound; 1999.
30. Shapiro, Stuart; "The Evolution of Cost-Benefit Analysis in U.S. Regulatory Decisionmaking"; Jerusalem Papers in Regulation & Governance Working Paper No. 5; 2010.
31. Slothuus, Ulla; "Economic Evaluation: Theory, Methods & Application"; Health economics papers; Odense, Denmark; 2000.
32. www.reginfo.gov/public.
33. www.whitehouse.gov/omb.
34. evans.uw.edu/policy-impact/benefit-cost-analysis-center.
35. www.epa.gov.
36. www.cbcse.org

